

ایران

- **صاحب امتیاز:** خبرگزاری جمهوری اسلامی
- **مدیر مسئول:** محمدحسن روزی طلب
- **سرمدیر:** حسام الدین برومند
- **معاون فنی:** محمدعلی اکبری
- **دبیران:** مصطفی عبوسی (سیاسی)
- مهدی مهرپور (اقتصادی)
- مصطفی وثوق کیا (فرهنگی)

- **زرین رستمی** وند (اجتماعی) • بنفشه غلامی (جهان)
- **لیدا فخری** (اندیشه) • **محمدرضا عزیزی** (گزارش)
- **زهرا کشوری** (زیست‌بوم) • **فرناز قلعه‌دار** (حوادث)
- **مهدی کلهرزاد** (اجرائی)
- **حجت حکیمی** (صفحه‌آرایی)
- **محسن جانی‌پور** (ویراستاری) • **ابوالفضل نسایی** (عکس)



- **تلفن:** ۸۸۷۶۱۷۲۰ • **نمابر:** ۸۸۷۶۱۲۴۵ • **ارتباط مردمی:** ۸۸۷۶۹۰۷۵
- **پیامک:** ۴۵۱۳۱۳ • **روابط عمومی • نشانی:** تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
- **صندوق پستی:** ۵۳۸۸۰ • **امور مشترکین:** ۸۸۷۴۸۸۰
- **چاپ:** چاپخانه‌های همشهری، شرکت چاپ جام‌جم
- **سازمان آگهی‌های روزنامه ایران:** دارنده گواهینامه انزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
- **پذیرش سازمان آگهی‌ها:** ۸۸۷۲۰ (۰۲۱)
- **انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران:** ۵-۸۸۴۸۸۹۲

مهم‌ترین چیز این است که همیشه با خودت صادق باشی؛ در این صورت نمی‌توانی به هیچ‌کس دروغ بگویی.

هملت، ویلیام شکسپیر

کلمه

فلسفه ظهور بحران‌های زیست‌محیطی



علی‌الله سلیمی
نویسنده و منتقد ادبی

روایت‌گری در حوزه‌های زیست‌محیطی و نقش انسان در تخریب زیستگاه‌ها، که اغلب پیامدهای ناگواری برای کره زمین با همه متعلقاتش در پی دارد و باعث برهم خوردن نظم طبیعی در این کره خاکی می‌شود، امروزه به یکی از دلمشغولی‌های اهالی قلم هم تبدیل شده و نویسندگان و متفکران بسیاری به این حوزه ورود کرده و آثار متعددی در خصوص ارتباط انسان و محیط زیست و پیامدهای آن تألیف و منتشر کرده‌اند؛ آثار قابل تأملی که مؤلفان آنها از منظر گوناگون علمی، روابط بین‌الملل و بحران‌های زیست‌محیطی تا بحران‌های اجتماعی و فرهنگی به مسأله نگاه کرده و آرای متفاوتی صادر کرده‌اند. بی‌گمان بخشی از این آرای قابل توجه و تأمل، متعلق به متفکران و فلاسفه ایرانی معاصر است که دکتر سید حسین حسینی، عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، از جمله این افراد است. دیدگاه‌های فلسفی وی در خصوص ارتباط انسان و محیط زیست در کتابی با عنوان «تحلیل مبانی فلسفی ظهور بحران محیط زیست» به تازگی از سوی دفتر نشر فرهنگ اسلامی در تهران چاپ و منتشر شده است. این اثر تحقیقی به بررسی ارتباط و نسبت بحران زیست‌محیطی جهان معاصر با مبانی و نگاه‌های فلسفی می‌پردازد تا راهی به سوی طرح دیدگاه‌های دینی در مسأله بگشاید. بحران جهانی موجود را، جدا از ریشه‌های زیست‌شناسی و تجربی آن و آنچه در حوزه علوم طبیعی و زیستی و تکنولوژی مطرح می‌شود، می‌توان با ریشه‌ها و علل عمیق‌تری نیز پیوند زد و آن تحلیل مسأله از زاویه مبانی و رویکردهای فلسفی است. تحقیق حاضر از این منظر به تحلیل موضوع می‌پردازد تا در نهایت نتیجه بگیرد که یکی از راه‌های بیرون رفتن از بحران تحول مبانی در ساختار علوم معاصر و تولید علم دینی است.

از نگاه مؤلف، بدون تردید، یکی از بحران‌های کنونی انسان معاصر که همه هویت فردی و جمعی و حتی تاریخی وی را نشانانه رفته است و نه فقط انسانیت انسان که طرف حیات، طبیعت و جهان زندگی‌اش را هم به مخاطره انداخته، مشکلات جدی پیش‌آمده در محیط زیست انسان است. این بحران جایی برای روان و جسم مهم‌ترین پرسش اثر حاضر این است: آیا بین بحران موجود محیط زیست در جهان معاصر با دیدگاه‌ها و مبانی فلسفی ارتباط وجود دارد؟ و اصولاً، آیا چنین دیدگاهی می‌تواند راهی به سوی حل این بحران بگشاید؟ و اگر پاسخ مثبت باشد، آیا می‌تواند از شدت آن بکاهد؟ و اگر پاسخ مثبت باشد، آیا از زاویه این نگرش‌ها می‌توان به ضرورت تولید علم دینی برای حل مبانی و ریشه‌های بحران استدلال کرد؟ در نتیجه، مسأله پژوهش حاضر، در یک رویکرد فلسفی، تحلیل امکان ارتباط بین حل بحران محیط زیست و ضرورت تولید علم دینی است.

در تحلیل این مسأله، از جانب نگرش‌های علمی و تکنولوژیکی مسائلی در سطح جهانی مطرح شده است، اما ارتباط این امر با رویکردهای فلسفی از منظر دیدگاه‌های اسلامی و تحلیل ارتباط مسأله با ضرورت دستیابی به علم دینی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. اثر حاضر، پس از اشاره به ریشه‌های فلسفی بحران انسان معاصر، نگرش اومانیستی را مبداً اصلی بحران محیط زیست می‌داند اما فاصله این مبداً ذهنی و نظری تا نتیجه عملی مخرب آن را نقش علم و تکنولوژی (به عنوان حلقه میانی بین مبانی فلسفی و کاربردهای زیست‌محیطی آن) می‌شناسند.

نقل قول



حسین میرزامحمدی
کارگردان کت چرمی

رواج ناامیدی در سینما بی‌اخلاقی است

بشر با امید زنده است. همان کسی که فیلمی ناامیدانه می‌سازد، خود امید دارد که روزی فیلمش اکران شود. چگونه به ناامیدی دامن می‌زنی در صورتی که امیدواری روزی فیلمت اکران شود؟ این پارادوکس است. از نظر من رواج ناامیدی، کاری غیراخلاقی است. فرقی ندارد شما به چه مرام، مسلک، دین و آیینی معتقد باشید. رواج ناامیدی، وری همه این موارد امری غیراخلاقی است. کاری به برخی تفکرات کنونی آقای بیضایی ندارم، اما باید بگویم من امید را از ایشان آموختم. او در همه آثارش زاویه‌های امیدوارانه دارد. برای مثال در پایان نمایشنامه آرش می‌گوید: «من هنوز مردمی را می‌شناسم که می‌گویند آرش باز خواهد کشت». آرش، نماد امید است، از این رو وظیفه هنرمند این است که به واسطه اثری که خلق می‌کند، بتواند در تلخ‌ترین شکل ممکن نیز لبخند رضایت را روی لبان مخاطب بنشانند و او را با حالی امیدوارانه از سالن خارج کند، حالی که مخاطب در پایان با خود بگوید: «می‌شود کاری کرد.»

بخشی از گفته‌های این کارگردان سینما با ستیم

یادداشت

خانه سینما در برابر حکم قوه قضائیه برای «برادران لیلا»



جبار آذرنین
مدرس و منتقد سینما و تلویزیون

حضور و نمایش بدون مجوز و هماهنگی فیلم سینمایی «برادران لیلا» ساخته سعید روستایی با سازمان سینمایی وزارت ارشاد به‌عنوان متولی قانونی و رسمی سینمای کشور در جشنواره سیاسی و سینمایی کن و حاشیه‌های آن که نادرست و ناپسند بود، بعد از کشمکش‌های متولیان سینما و سازندگان فیلم یاد شده و نظریه‌های غلط و درست و مخالف و موافق در مورد اتفاق‌های کن، به دلیل برخی حرمت و حریم شکنی‌ها و بی‌قانونی‌ها، پای قوه قضائیه را هم به میان کشید و این قوه، پس از تحقیق و بررسی درباره اتهام‌های وارده به تخلفات تولیدکنندگان فیلم «برادران لیلا»، حکم خود را صادر کرد. بحث در مورد چگونگی حکم قوه قضائیه در صلاحیت کارشناسان حقوقی و قضایی است و نباید بدون شناخت و تخصص در مورد آن نظرداد، ولی خانه سینما پاره‌ای کار را کرده و این بار هم کانون کارگردانان، طی صدور بیانیه‌ای حکم قوه مذکور را زیر سؤال برده است. با آنکه خانه سینما که روزگاری قرار بود مذکور از اهداف نخستین خود فاصله گرفته، دارای دانش سینما و هنرمندان باشد از اهداف نخستین خود فاصله گرفته، دارای دانش قضایی نیست، باید اذعان داشت که دارای دانش و تخصص سینمایی هم نیست. البته حریم و حرمت و هنر اهالی سینما به جای خود محترم است و باید حساب آنها را از سیاست‌های خانه سینما جدا کرد. فیلم «برادران لیلا»، نه در کارنامه سینمایی روستایی که فیلم‌های بهتری نیز ساخته و نه در سینمای ایران، اثر شاخصی نیست و از نظر ساختار هنری و محتوا قابل نقد است. لذا حاشیه‌سازی خانه سینما و کانون کارگردان‌های آن، قابل اعتنا نیست. بویژه که حضور و برنامه‌های ناپسند پیرامون برادران لیلا در جشنواره سیاسی و سینمایی کن که مانند مراسم سیاسی و سینمایی و تبلیغاتی اسکار با سرمایه، سیاست و هدایت و اهداف کلان سرمایه‌داران برگزار می‌شود، شایسته دفاع نیست. از همین رو، سازندگان برادران لیلا و روستایی باید با پذیرش اشتباه‌های خود، درصد جبران خطاها باشند و مدیران خانه سینما نیز دست از مخالف‌خوانی و جنجال‌آفرینی بردارند. صادرکنندگان بیانیه دفاعیه از روستایی و فیلم او، ضمن نادرست خواندن حکم قوه قضائیه کشور، با زیرکی و شیطنت خواسته‌اند توپ را داخل زمین سازمان سینمایی بیندازند و خواستار مداخله رؤسای سازمان برای تأثیرگذاری در تغییر حکم قضایی و صیانت از سینما شده‌اند. این درحالی است که سازمان سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی خود از شایگان اصلی اوضاع ناپسندی است که تولیدکنندگان برادران لیلا ایجاد کرده و همچنین حوادث رخ داده در کن است. در واقع بیانیه‌نویس‌ها و حامیان‌شان در پی حمایت از سینما و سینماگران نیستند و چون گذشته می‌خواهند از وقایع اتفاق افتاده، بهره‌بری سیاسی کرده و به بهانه روستایی و فیلم او، برای بیگانه‌ها خوراک تبلیغاتی ضدایران و سینما و هنرمندان راستین کشور بسازند. آنها و کسانی که همانند آنها می‌اندیشند باید بدانند که حفظ فرهنگ و باورهای جامعه و فرهنگ‌سازی و دفاع از ارزش‌ها و آرمان‌های ایران اسلامی، وظیفه و رسالت هنرمندان است، چنانچه آنها بویی از هنر و فرهنگ برده و در کنار ملت و مدافع فرهنگ کشور هستند، باید راه و روش و روند مخرب خود را تغییر دهند و به جای کن و اشتباهات و کج‌روی‌های برخی سینماگران از ایران و هنرمندان خادم‌ایران دفاع کنند.

درنگ

هیچ‌گره‌ای محض رضای خدا موش نمی‌گیرد!



حسام آپتوس
روزنامه‌نگار

در یکی از ملاقات‌های روزولت (عامل کودتای ۲۸ مرداد) و محمدرضا پهلوی که به منظور اطمینان دادن به شاه جهت اعلام حمایت آمریکا و بریتانیا از او در عملیات کودتا صورت گرفت، روزولت پس از طرح مباحث مختلف از میزان پولی که در اختیار داشته، با شاه سخن می‌گوید: پولی که سرانجام در اختیار سپهبد فضل‌الله زاهدی (نخست‌وزیر بعد از کودتا) قرار گرفت، مبلغی که از آن یاد می‌شود رقمی حدود یک میلیون دلار است که در اختیار پایگاه سیا در تهران گذاشته شده بود تا بدون احتیاج به کسب مجوز برای خرج کردن آن در جهت ساقط کردن حکومت مصدق از آن استفاده شود.

وقتی برگ‌های تاریخ را ورق می‌زنیم اسامی مختلفی به‌عنوان نقش‌آفرینان کودتای ۲۸ مرداد دیده می‌شود که از طیف‌های مختلف بوده‌اند؛ کودتایی که با طراحی آمریکا و بریتانیا و همراهی شاه و رجال سیاسی و افسران ارتش علیه یکی از حکومت‌های ملی و مردمی صورت گرفت. از عوامل جاسوسی خارجی و داخلی تا خانواده شاه همه در این پروژه نقش داشتند تا در آینده نتوان تصبیرها را بر گردن یک نفر انداخت و او را مقصر خواند. این تدبیری بوده که به کار بسته شد تا از این طریق نگاه بزرگ بین افراد و جریان‌های مختلف تقسیم شود تا راحت‌تر بتوان از زیر آن شانه خالی کرد ولی نباید فراموش کرد که اگر نبود پول‌های خارجی، بعید بود این افراد و گروه‌ها بتوانند در کنار هم علیه دولت کسی که چندی پیش فرمانده بزرگی را با حضور گروه‌های مردم رقم زده بود، ساقط کنند.

در گزارش‌های مختلفی که منتشر شده، رقم‌های مختلفی درباره هزینه کودتا ثبت شده که بالاترین آن همین رقم یک میلیون دلار است. حتی به نقل از روزولت، روزنامه لس‌آنجلس تأیید نوشته که از یک میلیون دلار تخصیص داده شده برای این کودتا، ۷۵ هزار دلار بیشتر خرج نشد و باقی آن پس از عملیات تحویل شاه شد. پولی که در اختیار گروه‌ها و افراد مختلف قرار گرفته بود تا در نقشی که به آنها محول شده بود، حضور داشته باشند. این در حالی است که چند ماه قبل از کودتا دولت مصدق که با کسری بودجه بسیاری روبه‌رو شده بود، وقتی درخواست وام بانکی و کمک مالی از دولت‌های غربی می‌کند، آنها حاضر به پرداخت وام نمی‌شوند ولی مدتی بعد برای سرنگونی دولت او دست به جیب می‌شوند تا بتوانند مانع بزرگی به اسم دولت ملی را از میان بردارند تا زودتر به هدف خود که روی کار آمدن دولتی دست‌نشانده و همسو با خواست آنها باشد، برسند. هزینه‌هایی که در بخش‌های مختلفی صورت گرفت تا با کمک آنها بتوانند به آنچه در اهداف طرح آژاکس بود، دست پیدا کنند.

در مجموع نباید فراموش کرد آنها که آن سوی آب نشسته‌اند، برای این مردم دلسوزی نمی‌کنند مگر زمانی که پای منافعشان در میان باشد.

امام حسین (ع):

شعبه ما کسی است که دلش از هرگونه خیانت و نیرنگ و مکر پاک است.



سخن‌روز

بهارالاولار، ج ۶۵ ص ۱۵۶ ح ۶

نگاره روشنایی پایدار با استفاده از لامپ‌های کم‌مصرف



نیم‌شاه‌میری / طراح و کارتنویست

فضای مجازی

«خانن کشی» پیشنهاد امیرآقایی

امیرآقایی بازیگر سینما نوشته: «مینی سریال خانن کشی به کارگردانی و نویسندگی مسعود کیمیایی و تهیه‌کنندگی علی اوجی به‌صورت اختصاصی از سوم شهریور ساعت ۹ صبح در نماوا پخش می‌شود.» امیرآقایی، پولاد کیمیایی، پانته آبهرام، سارا بهرامی، سام درخشانی، نرگس محمدی، حمیدرضا آذرنگ، فرهاد آتیش، اندیشه فولادوند، رضا یزدانی و فریبا نادری از جمله هنرمندانی هستند که در این مینی سریال به ایفای نقش پرداخته‌اند. این سریال داستان رفاقت و مردمداری است. در این سریال قسمتی از زندگی مهدی بلوغ سارق و کلاهبردار ایرانی به تصویر کشیده می‌شود و همچنین گذری هم به ماجرای ملی شدن نفت و ماجراهای آن می‌زند.



زندگی‌نامه‌های داستانی از یک روزنامه‌شهر

راضیه تجار، نویسنده و مدرس داستان‌نویسی فیلم تبلیغی کوتاهی درباره کتاب تازهاش با مخاطبان به اشتراک گذاشته، کتاب «اسم تو مصطفاست» زندگی‌نامه داستانی شهید مصطفی صدرزاده به روایت همسر وی، سمیه ابراهیم‌پور است. در این کتاب، راضیه تجار روایتی خواندنی از زندگی شهید مصطفی را پیش روی مخاطبان گذاشته؛ از زمانی که مصطفی و سمیه که یکی زاده شمال و دیگری زاده جنوب بود با هم در تهران آشنا شدند و پیمان عشق بستند تا زمانی که روح یکی آنقدر بزرگ شد تا دیگر در پوست خودش نگنجد و به معراج رفت. همان‌طور که در معرفی کتاب هم آمده، اگر به خواندن داستان‌های واقعی از زندگی بزرگمردان و شهدای جنگ تحمیلی علاقه دارید، این اسم تو مصطفاست یکی از کتاب‌های خواندنی در این زمینه است.



تذکری از استاد شفيعی کدکنی

محمدرضا شفيعی کدکنی در صفحه‌ای که منتسب به این شاعر، پژوهشگر و استاد دانشگاه است، اشاره به قطعه شعر «بیا ای دوست، اینجا، در وطن باش / شریک زنج و شادی‌های من باش / زسان اینجا، چو شیر شرزخه کوشند / اگر مردي، در اینجا باش و زن باش» یکی از سروده‌های خود کرده و نوشته: «مدتی است که در فضای مجازی ابیات دیگری در ادامه این قطعه با نام محمدرضا شفيعی کدکنی منتشر و دست به دست می‌شود. این شعر تنها دو بیت دارد. مابقی جعلی است.»



اجرای تازه‌ای از راغب

مصطفی راغب خواننده، یک استوری درباره اجرای امشب خود منتشر کرده، در این استوری اطلاعاتی با این مضمون آمده: «چهار عشق پایدار با اجرای مصطفی راغب، تهران برج میلاد» آن‌طور که در این اطلاع‌رسانی درج شده، اجرای مذکور از امشب آغاز شده و تا ۱۰ شهریور ماه نیز ادامه خواهد داشت.



نکته‌ای درباره رسالت اصلی تار

علی قمصری هنرمند، نوازنده و آهنگساز نوشته: «می‌توان به تاریخ سفر و گذشته را بازنمایی کرد. می‌توان با تاریخ برای سفری در آینده همسفر شد. تفاوتی ظریف بین این دو تعیین‌کننده رسالت اصلی تار ایرانی است. اگر تار ایرانی با پشتوانه تاریخ و اصالت صدای امروز باشد، موفق است.»



اطلاع‌رسانی برای جشنواره‌های جهانی

سید مسعود شجاعی طباطبائی، کاریکاتوربست و گرافیبست نوشته: «مرکز بین‌المللی ایران کارتون با مشارکت برزیل کارتون، با مسئولیت مرسیو لیتنه و انتشارات دریایی برگزار می‌کند: ۱-۰ این مسابقه با همکاری پروفیسور جان لنت، محقق برجسته عرصه کمیک جهانی از آمریکا برگزار می‌شود. ۲- دبیر اجرایی برزیلی این رویداد هنری ادرا اموریام و دبیر اجرایی ایرانی این مسابقه مسعود شجاعی طباطبائی هستند.» علاقه‌مندان به کسب اطلاعات بیشتری می‌توانند سری به صفحه این هنرمند بزنند و از بخش‌های مختلف جشنواره مذکور با خبر شده و در صورت تمایل بر اساس اطلاعات مندرج در آن، آثار خود را ارسال کنند. جوایز هر بخش به طور جداگانه در بخش‌های کارتون، کاریکاتور و پوستر به شکلی جدا عنوان شده‌اند.



اعطای نشان آزادی ملت ایران به قهرمان شاهچراغ (ع)

نشان آزادی ملت ایران به فرزند بادیا، خادم فداکار حرم مطهر شاهچراغ در برج آزادی، مرکز فرهنگی-هنری انقلاب اسلامی اعطا شد. در این مراسم که با حضور سردار حسن‌زاده فرمانده سپاه تهران، مهدی سالم مدیرعامل بنیاد رودکی و فرزاد هوشیارپارسیان مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان تهران برگزار شد، فرزند بادیا به شرح حادثه تروریستی حرم شاهچراغ (ع) پرداخت و گفت: «هر فرد ایرانی، هر مسلمان شیعه که این صحنه را می‌دید این اقدام را انجام می‌داد و من نیز فقط خادم اهل بیت هستم و این توفیقی بود که خود حضرت احمد بن موسی علیه‌السلام به من داد و من را بیمه کرد.»



عکس: بنیاد رودکی

